

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
شماره پیاپی: بیست و هفتم - بهار ۱۳۹۵
از صفحه ۲۵ تا ۴۰

تمثیل پرواز در شعر دفاع مقدس*

سید احمد حسینی کازرونی

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر - ایران

مصطفی سالاری

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان - ایران

بهرز رومیانی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان - ایران

چکیده

شعر دفاع مقدس، رمزها و تمثیل‌های فراوانی را به نمایش می‌گذارد. برخی از این تمثیل‌ها، ریشه‌ای تاریخی - مذهبی دارد که با فضای جنگ و معنویت موجود در آثار این دوره متناسب است. تمثیل پرواز که جهت اشاره به شهادت به کار رفته است، یکی از بدیع‌ترین بخش‌های رمزپردازی شعر این دوره است. تمثیل و رمز پرواز، بیانگر عروج روح پس از مرگ به عالم بالا و نور است. این تمثیل عرفانی - اساطیری، در شعر دفاع مقدس بازآفرینی شده و صرفاً جهت بیان شهادت به کار رفته است.

واژگان کلیدی: تمثیل، پرواز، شهادت، شعر دفاع مقدس.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۱

پست الکترونیکی نویسنده مسئول: sahkazerooni@yahoo.com

پست الکترونیکی: M.salari11@yahoo.com

پست الکترونیکی: bromiani@yahoo.com

مقدمه

شعر پارسی، تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر نهاده است. همین تاریخ متنوع و گاه متناقض است که عامل تقسیم‌بندی دوره‌های شعر می‌شود. اصولاً ادبیات از تاریخ و اجتماع متأثر است و این مسئله‌ای است که پیش از این به دفعات مورد توجه قرار گرفته و نظریات جامعه‌شناختی فراوانی بر اساس آن صادر شده است. یکی از زمینه‌های تاریخی-اجتماعی که توانسته است منجر به تولید نوع ادبی خاصی در شعر و ادب پارسی شود، جنگ تحمیلی است. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از جنگ‌های دوره معاصر است که ۸ سال (۱۳۶۷-۱۳۵۹) به طول انجامید. این جنگ در پی مجموعه‌ای از عوامل زمینه‌ساز و مناقشه‌های فزاینده سیاسی - نظامی با تجاوز نیروهای عراق به ایران آغاز شد.

آغاز جنگ، توأم با آغاز نوع ادبی "شعر دفاع مقدس" بود. این نوع ادبی، ویژگی‌های ممتازی داشت که بیانگر شکل‌گیری نوع و سبک ادبی منحصر بفردی بود. سبکی ادبی که به سبب جنگ و دفاع، مشخصه‌های حماسی و از سوی دیگر و به سبب معنویت و آسیب‌های روحی، مشخصه‌های ادب غنایی را داشت. به همین خاطر است که تلفیق حماسه و غزل را می‌توان در این دوره ملاحظه کرد، همان‌گونه که شعرا خود به این رویداد معترفند:

میان معرکه لبخند می‌زنید به عشق / حماسه چون به غزل ختم می‌شود زیباست.
(محمودی، ۱۳۸۹: ۷۳)

مضامین دفاع مقدس

مضامین متعددی در شعر دفاع مقدس مورد توجه قرار گرفت. اولین مسئله‌ای که به طور ملموس در شعر این دوره ملاحظه می‌شود، لزوم حفظ سرزمین و دفاع از وطن است. به همین خاطر است که اشاره‌های فراوانی به وطن و میهن در شعر دفاع مقدس به چشم می‌خورد: ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم / وطنم / ای تواناترین مظلوم / تو را دوست دارم / ای آفتاب شمایل دریادل / و مرگ در کنار تو زندگی است (رهنما، ۱۳۹۳: ۲۱۰)

توجه به مقام ارزشمند شهدا نیز از مضامین مورد توجه شاعران دفاع مقدس است:

بیا به خانه آلاله‌ها سری بزنیم زداغ با دل خود حرف بهتری بزنیم
به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم
(امین پور، ۱۳۶۳: ۷۱)

خوشا آنان که جانان می‌شناسند طریق عشق و ایمان می‌شناسند
بسی گفتیم و گفتند از شهیدان شهیدان را شهیدان می‌شناسند
(قزوه، ۱۳۷۸: ۴۵)

جهاد و مبارزه در راه خدا، از دیگر مباحث مطرح در این دوره است:

جنگ است بیا که جانفشانی بکنیم کاری چو حماسه جاودانی بکنیم
آن سان به تن دشمن خود زخم زنیم که از روزن زخم دیده بانی بکنیم
(امین پور، ۱۳۶۳: ۶۳)

عمده‌ترین مضمون طرح شده در شعر این دوره، شهادت است

سلام ای جنگجویان دلاور نهنگانی به خاک و خون شناور
شهادت، برترین معراج عشق است گهش پروازی از جبرییل، برتر
سلام، ای پاسدار کعبه عشق حریم عشق را چون حلقه برادر
(شهریار، ۱۳۷۸: ۶۷)

زبان شعری شاعران دفاع مقدس

مسئلاً هر نوع گفت‌وگو ادبی، به گزینش واژگان خاص خود نیاز دارد. واژه‌گزینی، اگرچه فرآیندی خودکار و غیرقابل پیش‌بینی در زبان است؛ با این حال ارتباط مستقیم و مستحکمی با اندیشه‌های غالب جامعه دارد. اندیشه‌هایی که در سطح تمایلات اجتماعی، باورهای مذهبی و دیگر بخش‌های اندیشه که قابلیت انتقال به بطن اندیشه‌ی عمومی را دارد، نمود یافته است. به طور کلی، با توجه به واژه‌های به کار گرفته شده در سطح یک اثر ادبی می‌توان به این برداشت

نائل شد که نگرش کلی جامعه از منظر مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی به کدام سو متمایل بوده است.

وز رشته‌ی موی و چشم سوزن گذرد
چندان به تن دشمن خود زخم زنیم
تا آن که نسیم از تن دشمن گذرد
(امین پور، ۱۳۷۲: ۳۶)

الهی به آنان که پرپر شدند
پر از زخم‌های مکرر شدند
(بیگی حبیب آبادی، ۱۳۶۸: ۲۸)

می‌آید از دیار بهاران سپاه گل
با جنبش دلاور جنگل، چریک باد
با بانگ پرطنین ظفر کاوه‌ی بهار
طلبل نبرد می زند امشب امیر ابر
دریاب ای منیژه‌ی جادوگر نسیم
یک کهکشان ستاره‌ی میخک شکفته است
بر سر نهاده دختر صحرا کلاه گل
در خون کشید به بیشه شب پادشاه گل
فرمان داد آورد از بارگاه گل
دارد سر ستیز، مگر با سپاه گل
با سحر عشق بیژن شبنم زچاه گل
در آسمان سبزه به اطراف ماه گل
(حسینی، ۱۳۸۰: ۵۷)

دفاع مقدس و فرهنگ و ادبیات آن بر صور خیال شاعران و زبان مخیل آنان تأثیر گذاشته و واژگان و اصطلاحاتی که مفهوم جنگ و نبرد داشته نه تنها در سبک ادبی و شاعرانه؛ بلکه در سبک و زبان عادی نیز تأثیر گذاشته است. سخنوران با بهره‌گیری از این اصطلاحات، فضای شعر را با مفهوم دفاع مقدس و جنگ تلفیق کرده‌اند:

عبد الجبار کاکایی گوید:

حرف من برای تو / کاغذ مچاله است / گوش تو برای من / سطلی از زباله است / آه! موی
صورت‌م سپید شد / پشت سیم خاردار خنده‌ات / حرف من شهید شد. (کاشانی، ۱۳۸۷: ۲۴)

آه اگر شعر دمی قفل لبم بردارد/ کهکشانی ز شهیدان به زمین می‌بارد (ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۱۱)
 شب چو در محراب خون قندیل ماه آویختند هاله‌ای بر گرد وی از دود آه آویختند
 رشته لعلی از شهیدستان ما بر داشتند قدسیان بر گردن خورشید و ماه آویختند
 (مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۱۳۳)

از ویژگی‌های تصویری شعر دفاع مقدس، تصویرپردازی به واسطه‌ی ابزار جنگی است؛ مثل خمپاره، نارنجک، مین و وسایلی که مفهوم علامت و نشانه پیدا کردند مثل: چفیه، پلاک زمانی ژست رؤیایی چفیه بود/ رفیق اشک و تنهایی چفیه بود/ چفیه یعنی دل عاشق چقدر افتاده است/ زخم می‌بندد و غم سفره غم سجاده است (ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۲۱)
 در تصویرسازی، برخی واژگان چون: شقایق، لاله، کبوتر، گل بهار، گل‌های شقایق غربت سوز، آیینه، پرستو، آلاله‌های پرپر، شمشاد، سرو، نخل گل سوری، سوسن، نیلوفر، گل شب‌بو، صنوبر، خورشید، مرغان مهاجر، نماینده و سمبل شهید و شهادت می‌باشند.
 به سوگ لاله نشان‌دیم باغ حوصله را به دشت داغ کشاندیم، پای قافله را
 نسیم سرخ به رگ‌های شب دوید و گشود دهان بسته‌ی گل زخم‌های حوصله را
 (مشفق کاشانی، ۱۳۸۲: ۱۴۹)

ماییم باقی مانده از نسل پرستوها یکبار دیگر می‌رسد فصل پرستوها
 (شریفی، ۱۳۸۰: ۱۵)

در فصل عطش صنوبرم را کشتند آرامش سبزه باورم را کشتند
 (وحیدی، ۱۳۷۷: ۳۸)

در آبشار بلند شفق وضو کردند نماز عشق به درگاه پاک او کردند
 لباس ظلمیتان را به باد سپردند درون چشمه‌ی خورشید شستشو کردند
 (گلمرادی، ۱۳۷۸: ۱۱۲)

گفتم که چرا دشمنت افکند به مرگ گفت که چو دوست بود خرسند به مرگ
گفتم که وصیتی نداری؟ خندید یعنی که همین است لبخند به مرگ
(امین پور، ۱۳۹۱: ۷۳)

نام عملیات و مناطق عملیاتی و نام شخصیت‌ها و لشکرهای صدر اسلام در اشعار دفاع مقدس آشکار است:

به سوسنگرد و بستان و هویزه که رنگین شد به خون تک سواران
(مشفق کاشانی، ۱۳۸۰: ۷۹)

تا آفتاب عاشقی تابید... پیدا شد یک شب صد و هفتاد تا خورشید پیدا شد
دنبال پوتینی، پلاکی، چفیه ای بودند از لابلای خاک مروارید پیدا شد
شکر خدا که در میان این همه ظلمت در آسمان ما هلال عید پیدا شد
چون حلق اسماعیل عطشان بود باورها یکباره زمزم زیر پا جوشید، پیدا شد
از پای ما با دست بسته بند وا کردند در ناامیدیمان بسی امید پیدا شد
در عمق قرآن بس که می‌رفتند غواصان وقت ادای نامشان تجوید پیدا شد
پیدا نمی‌شد هرچه می‌گفتیم "یازهرا" اما همین که "یا علی" گفتید... پیدا شد
(محسن زعفرانی، ۱۳۹۴: ۷۶)

برخیز ای برادر

بستیز با سپاهی اهریمن و نفاق در کشور عراق (سنگری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۷)
پاسدار، ارتشی، ای شرف ساز / ای تو در سنگر غرب و اهواز / قصر شیرینی، ای کرد جانباز
شهر خود گور صدامیان ساز (همان: ۱۹)

شعری که پس از جنگ درباره‌ی جنگ تحمیلی سروده شده، شعر با درنگ و تأمل بیش
تر است که به زبان و فرم و ساختار توجه بیشتری شده است و کارکرد ادبی نمود بیشتری دارد.
مظلوم کوچک من / هر روز نارنجک قلبش را از خانه به مدرسه می‌برد / و مشق‌هایش را /
بر دیوارهای کوچه‌های شهر می‌نوشت / مظلوم کوچک من راز دریا را در چشمانش پنهان کرده

بود و / رمز طوفان را در دلش (عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۷۹)

صبح، دو مرغ رها / بی صدا / صحن دو چشمان تو را ترک کرد / شب، دو صف از یاکریم /

بال به بال نسیم / از لب دیوار دلت پرکشید (قزوه، ۱۳۸۵: ۲۱)

من مسلمم / بر گونه‌ام هزار سیلی سرخ / بر پشت نازکم / جای هزار زخم زمانه بر شانه‌ام /

یک بیستون ستم / اندازه‌های جور / قد غرور دماوند (همان: ۲۳)

باید گلوی مادر خود را / از بانگ رود رود بسوزانیم / تا بانگ رود رود نخشکیده است باید

سلاح تیزتری برداشت... (سنگری، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۲۲)

بیا که ساغر شعرم ز شکوه لبریز است مگو که حرف غزلواره‌ها غم انگیز است

گرفته ذهن مرا موجی از تفکر سرخ نمی‌رسد به خیالم مگر تصور سرخ

(ترابی، ۱۳۸۴: ۳۱۹)

تمثیل و رمز

از مهم‌ترین نمادهای ادبی شعر این دوره، تمثیل‌گرایی و نمادپردازی است. تمثیل و رمز به

مبحث سمبولیسم و نمادگرایی تعلق دارد: «سمبولیسم و نمادگرایی به معنی عام، استفاده از نماد

و مفاهیم نمادین است.» (داد، ۱۳۸۵: ۲۹۵) و «در اصطلاح ادبی به سبکی گفته می‌شود که هر

کس در آن چیزی می‌بیند، عده‌ای تصوف و عرفان، گروهی آن را زبان ساده برای بیان

احساسات و شعر می‌دانند.» (سعیدیان، ۱۳۷۴: ۵۵۸)

چدویک، سمبولیسم را هنر بیان غیر مستقیم مفاهیم می‌داند: «واژه سمبولیسم به عنوان یک

اسم عام، مفهوم به غایت وسیعی دارد. این واژه را می‌توان برای توصیف هر شیوه‌ی بیانی به

کار برد که به جای اشاره مستقیم به موضوعی، آن را غیر مستقیم و به واسطه موضوع دیگری

بیان کند. (چدویک، ۱۳۷۵: ۹) و در ادامه می‌افزاید: «سمبولیسم را می‌توان هنر بیان افکار و

عواطف نه از راه شرح مستقیم، نه به وسیله تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای

عینی و ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آنها، و استفاده از نمادهایی بی توضیح برای

ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست.» (همان: ۱۱)

امروز زبان شناسان بر این باورند که هر گروهی زبانی خاص دارد که در یک روند تکاملی قرار دارد: «هر یک از گروه‌های انسان‌های اولیه زبانی خاص خود داشتند که در طی زمان به انحاء گوناگون راه تکامل را طی کردند.» (هوهنه گر، ۱۳۶۶: ۲۲) در شعر دفاع مقدس نیز زبان خاص تصویری ملاحظه می‌شود.

شعرای این دوره جهت نشان دادن تصویر شهدا از نمادهای آسمانی نظیر آفتاب، ماه و ستاره استفاده نموده‌اند. چرا که این عناصر نماد پاکی و درخشانی هستند و شهدا نیز همچون این مصادیق پاک و علوی هستند.

-بوسه می‌زنم ای ماه رد پای زخمت را. (وحیدی، ۱۳۷۸، ۴۰)

همچنین از دیگر تصاویری که برای شهدا به کار برده‌اند. تصاویر مرتبط با گل‌هاست. نظیر غنچه خونین، شقایق، لاله، ارغوان، گل سرخ. دلیل استفاده از این موارد این است که شهدا چون گل لطیفند و همان طور که عمر گل بسیار اندک است شهدا نیز عمرشان چون گل کوتاه است. دیگر این که از گل‌های به رنگ قرمز استفاده کرده‌اند که این خودنشان دهنده سرخی خون آنهاست.

آه که داغ لاله‌ها بسته ره نفس مرا. (وحیدی، ۱۳۷۸، ۳۷)

آی مردم! به خدا داغ کبوتر دیدم / هر کجا گام زدم لاله‌ی پرپر دیدم. (همان، ۶۹).

تا سرزمین عشق پر از ارغوان گردد. (همان، ۱۶)

دریا: نماد عظمت، وسعت و پاکی است که این خود گویای عظمت جایگاه شهدا و ائمه است.

خبر دهید که دریا به چشمه خواهد ریخت / خبر دهید به یاران به غدیر می‌آید.

(رحمدل، ۱۳۷۸، ۷۶)

سرو: در ادبیات نماد قد بلندی است اما به نظر می‌رسد که در ادبیات پایداری نماد آزادگی است. و بدین منظور رزمندگان را به سرو تشبیه کرده است.

به پاکپازی ما سروی، به دشت خرم باور هست. (وحیدی، ۱۳۷۸، ۲۳)

نخل تناور: استوار و محکم بودن آن مد نظر است.

... به هر طرف نظر اندازم، هزار نخل تناور هست. (وحیدی، ۱۳۷۸، ۲۳)

پرستوی مهاجر با عاشق: از ویژگی‌های پرستو، مهاجر بودن اوست. اگر منظور از او شهید باشد این استعاره نشان دهنده این است که شهید با شهادتش از این دنیا به سرای باقی کوچ می‌کند. و اگر منظور از آن آزاده باشد وجه شبه بازگشت وی از اسارتگاه به وطن را به ذهن می‌رساند.

همسفران لاله / همقطاران شقایق / از بازگشت پرستوهای عاشق / می‌گویند. (شرف شاهی، ۱۳۷۸، ۴۲)

کبوتر: پاک و معصوم بودن را به ذهن می‌رساند.

آی مردم! به خدا داغ کبوتر دیدم / هر کجا گام زدم لاله پرپر دیدم. (وحیدی، ۱۳۷۸، ۶۹)

در ادبیات پایداری جهت نمایش دادن شکل دشمنان به تصاویری نظیر حیوانات و خزندگان وحشی و شوم روی می‌آورند.

حیوانات وحشی، گرگ، کفتار، کرکس و سگ: ویژگی این حیوانات وحشی بودن آنهاست و دشمن نیز، دارای همین ویژگی است.

قرن ائتلاف کرکس و کفتار / قرن سازمان‌های ملل قوی / قرن میمون‌های مقلد / قرن حشره‌های کوچک خود بزرگ بین. (شرفشاهی، ۱۳۷۸، ۴۴)

و به سگی که شاخه زیتون به دندان دارد / اعتماد نکنی. (همان، ۵۳)

خزندگان: مار، زالو، کرم ساقه خوار: وجه شبه، خون خوار بودن و نیش زدن را به ذهن می‌رساند. از این جهت دشمن به این موارد تشبیه شده است.

و مارهای کوچک خون آشام / بر شاخه‌های زخم ریشه کرده‌اند. (رحمدل، ۱۳۷۸، ۷۱)

"تیمور ترنج" از کهن‌الگوی دیگری برای تمثیل استفاده می‌کند و سپاه دشمن را ایلچیان مغول می‌پندارد در حالی که شمشیرهای خون ریز در دست دارند.

بر دروازه‌های خونین شهر / ایلچیان / شمشیرهای خونین چکان را / صیقل می‌دهند / و یاسای چنگیز را تکرار می‌کنند / بر دروازه‌های خونین شهر / ایلچیان / سربداران را بردار می‌کنند (ترنج، ۱۳۹۳: ۶۱)

تمثیل پرواز

تمثیل پرواز از پرکاربردترین تصاویر ادبی در زمینه‌ی شهادت در شعر دفاع مقدس است. عموماً شاعر با تشبیه شهید به پرستو، کبوتر و ...، شهید را عضوی از آسمان ترسیم کرده که به عالم نور می‌پیوندد:

آن سینه سرخ مهاجر / که در شب شلمچه نخست / چشم بر من و خاک بست و سپس /
پرکشید و رفت / نامش / تنها / برکوچه‌ی بن‌بست و حقیرمان مانده است (جعفریان، ۱۳۶۸: ۵۷)
شهید، مرغ چمن است:

بار دیگر لاله‌ها از خاک روئیدن گرفت غنچه پیراهن شکاف انداخت خندیدن گرفت
نغمه داوودی سر دادند مرغان چمن عطر گل در کوچه‌های شهر پیچیدن گرفت
(مردانی، ۱۳۷۴: ۴۷)

همچنین به کبوتر تشبیه شده است:

شبی تا عشق کوچیدند با پرهای بسیاری از آن فصل حنابندان کبوترهای بسیاری
تمام آسمان سرشار باران و تغزل بود و خالی گشت از آئینه سنگرهای بسیاری
(علیرضا قزوه، ۱۳۸۷: ۸۲)

گاه نیز صرفاً به بال و پر این پرنده‌ی آسمانی اشاره می‌شود:

سحرگاه است و من تصمیم دارم تبسم در بساط دل بکارم
وضو سازم به شب‌نم‌های شب بو بخوانم یک زیارتنامه، یاهو
بشویم صورت و دست و سرم را غبار مانده بر بال و پرم را
بیاید پای رفتن را بشویم مدام الله و اکبر را بگویم
دلم همواره سرخ و آتشین است سزای عشق و مشتاقی همین است
وصال عاشق و معشوق زیباست تجلی خانه احساس اینجاست
(مجموعه اشعار به لهجه باران/۵۶)

کاربرد تعابیری چون بال همت نیز از زیر مجموعه‌های تمثیل پرواز محسوب می‌شود:

ز خودگذشتی و سر در ره مراد نهادی / که عاشقانه درفش شرف به شانه گرفتی /
 به بال همت و آزادگی به اوج رسیدی / تمام، او شدی و فر جاودانه گرفتی / تویی چون نغمه
 گلرنگ و در کلام نگنجی / که سوز عشق شدی، جای در ترانه گرفتی (کاشانی، ۱۳۸۷: ۳۸)
 آسمانی شدن و جاودانی شدن نیز از دیگر تصاویر مرتبط با تمثیل پرواز است:

کاش می‌شد آسمانی می‌شدیم	چون شهیدان جاودانی می‌شدیم
کاش می‌شد مثل دریا بیکران	مثل عطر گل، جهانی می‌شدیم

(حسینی، ۱۳۸۰: ۱۳)

روح من چون کبوتران حرم	بال و پر می‌زند برای شما
مرهم زخم‌های خورشید است	بوسه بر خاک کربلای شما

(اسرافیلی، ۱۳۷۸: ۴۲)

بیا ای دل از اینجا پر بگیریم	ره کاشانه دیگر بگیریم
بیا گم کرده دیرین خود را	سراغ از لاله پرپر بگیریم

(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۶۴)

موجیم وصل ما، از خود بریدن است	ساحل بهانه‌ای است رفتن رسیدن است...
ما مرغ بی پریم، از فوج دیگریم	پرواز بال ما در خون تپیدن است

(همان: ۱۳۱)

آن شاهدان عشق / هرگز گمان مدار / که از یاد رفته‌اند / یا چون گل بهار... /
 بر باد رفته‌اند / این سرخ جامگان / شفق گون / دشت خون / هر شب به بال خون /
 در نشئه شهود / به معراج می‌روند (آسمانی، ۱۳۷۲: ۲۷۷)

سبک بالان خرامیدند و رفتند	مرا بیچاره نامیدند و رفتند
سواران لحظه‌ای تمکین نکردند	ترحم بر من مسکین نکردند
رفیقان رسم همدردی کجا رفت؟	جوانمردان، جوانمردی کجا رفت؟

مرا این پشت نگذارید بی تاب
اگر دیر آمدم، مجروح بودم
در باغ شهادت را نبندید
شهادت نردبان آسمان بود
چرا برداشتند این آسمان را
چرا بستند راه آسمان را
قادر طهماسبی

همراه مرغ مهاجر پیغامی از گرمسیر است
می‌گویند؛ اینجا نمائید اینجا که مردان دروغ‌اند
می‌گویند: اینجا نمائید این خاکدان زمهریر است
اینجا که سرهای خالی روی شکم‌های سیر است
(کاظمی، ۱۳۷۵: ۶۷)

کاربرد تمثیل پرواز، پیش از شعر دفاع مقدس در شعر عرفانی نیز به چشم می‌خورد:
کجایید ای شهیدان خدایی؟
کجایید ای سبک روحان عاشق
بلا جویان دشت کربلایی؟
پرنده‌تر ز مرغان هوایی
(مولوی، ۱۳۸۷: ۲۷۰)

حقیقت این است که مفهوم پرواز و تعالی توام با مفهوم فناء و بقا در شعر دفاع مقدس مطرح شده که شباهت زیادی به طرح همین بحث در شعر عرفانی دارد.

فناء و بقا

فناء در معنای نیستی و بقا در معنای هستی، اجتماع نقیضینی است که در عرفان و مذهب و پس از آن در شعر دفاع مقدس با هم به کار رفته و زمینه‌ساز طرح مباحث خاص شده است:

مسیح آمده است و «امت»

و چشم‌های شما

در مشایعت مردی هستند

که لحظه لحظه

شعر بودن خود را
در مقصد همیشگی استقلال
با انتخاب مرگ
به جلادان داد

قربانی شدن نیز از مصادیق فناء محسوب می‌شود:

من آن سرباز جانباز حسینم سرافرازم که سرباز حسینم
من آن قربانی راه خدایم شهیدی از دیار کربلایم
(شهیدان شاعر / ص ۳۱۷)

می‌برم منزل به منزل چوب دار خویش را تا کجا پایان دهم آغاز کار خویش را
در طریق عاشقان، مردن نخستین منزل است می‌برد بر دوش خود منصور دار خویش را
(اسرافیلی، ۱۳۸۶: ۲۷)

بقا

شهادت در لغت به معنی گواهی دادن، کشته شدن در راه خدا و شهید گردیدن است و "شهید" یعنی «حاضر و شاهد به علم غیب و کشته شده در راه خدا و دین» می‌باشد (فرهنگ معین/در زیر کلمه شهید) اما کتاب آسمانی قرآن نیز در آیه شریفه «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران/۱۶۹) از جهاد کنندگان در راه خدا تجلیل نموده و آنان را زندگانی می‌داند که همواره در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند. این مسئله، بعدی عرفانی و معنوی به شهادت می‌دهد.

شاعر معاصر حسینی، این کلام را در اشعارش چنین آورده است.
روزی خورسفره ی عشق‌اند تا ابد ای زندگان خاک، مگویید مرده‌اند
(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۷)

رجعت به عالم نور

بازگشت به شهر نور، عالم بالا و بهشت از مضامین مرتبط با تمثیل پرواز است:

جسد کوچک تو

در جاری زلال اشک‌هایم

مثل نامه‌ای برای کاخ شیشه‌ای صلح

مثل مجموعه‌ای پستی

فرستاده از میهن من به نشانی خدا (صالحی، ۱۳۷۲: ۵۳)

در حقیقت شهادت، فرصتی برای عروج به عالم نور و آسمان است:

رفت و به توشه سفر آسمانی‌اش

تسبیح و مهر و شانه و قرآن به جیب داشت (اخلاقی، ۱۳۸۹: ۵۸)

با ذوالجناح نورتا معراج راندند تا وعده گاه عشق تا حلاج راندند

(حسینی، ۱۳۶۳: ۳۷)

این سفر برای ملاقات با حضرت حق است:

این بیشمار لاله رخان در هوای یار به روز وصل، ثانیه‌ها را شمرده‌اند

جوشنده رودی پاک از سرچشمه خلق سوی لقاءالله جاری باشند

(حسینی، ۱۳۶۳: ۱۶)

نتیجه‌گیری

شعر دفاع مقدس، خصوصیات ادبی منحصر بفرد خود را دارد. مضامین جدید ادبی، نظیر دفاع از وطن، پایداری، شهادت و ... زمینه‌ساز طرح شیوه‌ی بیانی خاص آن دوره شده است. در میان تصویرهای ادبی مختص به شعر دفاع مقدس، تمثیل پرواز دارای ارزش بیشتری است. این تصویر که پیش از این در شعر عرفانی نیز مورد استفاده قرار گرفته بود، با رویکرد مذهبی - عرفانی مورد توجه قرار گرفت. تمثیل پرواز بیانگر عروج روح سالک به عالم نور و دیدار با حضرت حق است. مسئله‌ای که بعد اسلامی نیز دارد و با روایت زنده بودن روح شهدا در قرآن ارتباط دارد.

منابع و مأخذ

۱. اسرافیلی، حسین (۱۳۸۶) ردپای صدا، تهران: نکا.
۲. ----- (۱۳۷۸) مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۵)، تهران: نیستان.
۳. اسماعیلی، رضا (۱۳۸۱) آسمانی‌ها (مجموعه شعر دفاع مقدس)، تهران: پازینه
۴. امین پور، قیصر (۱۳۶۳) تنفس صبح، تهران: هنر و اندیشه‌ی اسلامی.
۵. ----- (۱۳۷۲) آینه‌های ناگهان، تهران: افق.
۶. ----- (۱۳۸۱) گزیده اشعار قیصر امین پور، تهران: مروارید.
۷. ----- (۱۳۸۴) سنت و نوآوری در شعر معاصر، تهران: علمی و فرهنگی
۸. بیگی حبیب آبادی، پرویز (۱۳۶۸) غریبانه، تهران: همراه.
۹. ترابی، ضیاء الدین. (۱۳۸۴) شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس)، قم، سماء قلم
۱۰. جعفریان، محمدحسین (۱۳۶۸) پنجره‌های رو به دریا، تهران: حوزه‌ی هنری.
۱۱. حسینی، سید حسن (۱۳۶۳) هم صدا با حلق اسماعیل، تهران: حوزه‌ی هنری.
۱۲. ----- (۱۳۸۰) گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، تهران: حوزه هنری.
۱۳. ----- (۱۳۸۶) شاعری در مشعر، تهران: نکا.
۱۴. داد، سیما (۱۳۸۳) فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید، چ دوم،
۱۵. رحمدل، غلامرضا (۱۳۷۸) مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۶۶)، تهران: نیستان.
۱۶. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰) نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس. تهران: پالیزان.
۱۷. شعر شهادت (۱۳۶۷) به همت واحد روابط عمومی و بین‌الملل بنیاد شهید انقلاب اسلامی، تهران، صص ۱۵-۱۶.
۱۸. عبدالملکیان، محمدرضا (۱۳۶۸) رباعی امروز، تهران: برگ
۱۹. ----- (۱۳۶۸) ریشه در ابر، تهران: برگ.
۲۰. ----- (۱۳۶۸) ریشه در ابر، تهران: برگ، چ دوم.
۲۱. فتوحی، محمود (۱۳۹۱) سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
۲۲. قزوه، علیرضا (۱۳۸۵) از نخلستان تا خیابان، تهران: سوره مهر، چ ۶.
۲۳. ----- (۱۳۸۷) سوره‌ی انگور، تهران: نکا.
۲۴. ----- (۱۳۹۱) این همه یوسف، تهران: کنگره‌ی بزرگداشت سرداران شهید سپاه.
۲۵. ----- (۱۳۷۸) مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۴۱)، تهران: نیستان.
۲۶. کاظمی، محمدکاظم (۱۳۷۵) پیاده آمده بودم. تهران: حوزه‌ی هنری.
۲۷. کاشانی، سپیده (۱۳۸۴) گزیده ادبیات معاصر، تهران: نیستان.

- ۴۰ فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر - بهار ۱۳۹۵، (ش. پ: ۲۷)
۲۸. ----- (۱۳۸۷) بهار گل افشان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۹. ----- (۱۳۸۹) مجموعه اشعار، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۳۰. کاشانی، مشفق (۱۳۷۸) مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۱۴)، تهران: نیستان.
۳۱. گل مرادی، شیرینعلی (۱۳۷۸) نخل‌های تشنه، تهران: فرهنگ گستر
۳۲. ----- (۱۳۸۱) آوازهای گل محمدی، تهران: فرهنگ گستر،
۳۳. محمودی، سهیل (۱۳۶۸) فصلی از عاشقانه‌ها، تهران: همراه.
۳۴. مردانی، نصرالله (۱۳۷۰) آتش نی، تهران: اطلاعات.
۳۵. ----- (۱۳۷۸) قانون عشق، تهران: صدا.
۳۶. ----- (۱۳۷۴) شهیدان شاعر - زیر نظر نصرالله مردانی، تهران: مرکز پژوهش‌های فرهنگی بنیاد شهید.
۳۷. معین - محمد (۱۳۷۱) فرهنگ فارسی معین، جلد دوم، تهران: امیرکبیر، چ هشتم.
۳۸. مهدی مظفری ساوجی (۱۳۷۷) «شعر»، ماهنامه‌ی اهل قلم، شماره ۴۰، ص ۱۶.
۳۹. وحیدی، سیمین دخت (۱۳۷۷) از نگاه آینه‌ها تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۴۰. ----- (۱۳۷۸) مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۱۸)، تهران: نیستان.